



# Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2022.333029.473497

## Persians' Calendar (taqwim-e fors) of the Southern Regions of the Caspian Sea and the so-called 'Deylami' and 'Tabari' Calendars

Pedram Jam <sup>1,\*</sup>

1. Assistant Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. E-Mail: [jam1977@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:jam1977@ferdowsi.um.ac.ir)

### Article Info.

**Received:** 2021/26/10

**Accepted:** 2022/12/17

#### Keywords:

Iranian calendars, Persians' calendar, Yazdgerdi calendar, Deylami calendar, Tabari calendar, Gilan, Mazandaran

### Abstract

Up until the present era and the propagation of the New Iranian Calendar (1925), along with the Hijri lunar calendar and the Jalali calendar, a variety of the Yazdgerdi calendar (taqwim-e fors) was also popular among the peoples of the southern regions of the Caspian Sea. Despite and contrary to the historical evidence, in the last half-century, some local writers have claimed distinct and independent calendars for these regions. They have labeled these alleged calendars as Deylami/ Galeshi/ Gilani and Tabari/ Mazandarani calendars. Also, calendar eras have been fabricated for them and it has been claimed that these calendars have leap years and that their new year festival (Nowruz) falls always on a fixed day around the middle of the summer season. This article examines these alleged calendars and the pretensions that surround them. For this purpose, it studies the history of the calendars of these areas from the earliest times to the present day. It also studies the background of the assumption of an independent calendar in Mazandaran in the nineteenth century and traces back the history of the emergence of these alleged calendars in the present era. This article demonstrates that these alleged calendars are all the same Yazdgerdi calendar (taqwim-e fors), knowingly or recklessly manipulated and posed as genuine independent calendars.

**How To Cite:** Jam, P. (2022). Persians' Calendar (taqwim-e fors) of the Southern Regions of the Caspian Sea and the so-called 'Deylami' and 'Tabari' Calendars, Journal of Historical Sciences Studies, 96-115.

**Publisher:** University Of Tehran Press.



# فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱. شماره پیاپی ۳۱



دانشگاه آریات و علوم انسانی

مقاله علمی-پژوهشی

## تقویم فرس قدیم در نواحی جنوبی دریای مازندران و مسئله تقویم‌های دیلمی و طبری

پدرام جم<sup>۱\*</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد. رایانامه: [jam1977@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:jam1977@ferdowsi.um.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴	تا عصر حاضر و رواج تقویم جدید ایران، در کنار تقویم هجری قمری و تقویم جلالی، گونه‌ای از تقویم فرس قدیم (یزدگردی) نیز در میان مردمان نواحی جنوبی دریای مازندران رایج بود. اما در نیم‌قرن اخیر شماری از دانشوران محلی ادعا کرده‌اند که از گذشته‌های باستانی تقویم‌های دیگری نیز مختص به این نواحی رایج بوده است. ایشان این تقویم‌های ادعایی را به نام‌های تقویم دیلمی / گالشی / گیلانی و تقویم طبری / مازندرانی خوانده‌اند، برای آنها مبادی باستانی ساخته‌اند و ادعا کرده‌اند که این تقویم‌ها کیسه دارند و نوزاد آنها همواره در یک روز ثابت در میانه‌های تابستان است. این مقاله به بررسی این ادعاها می‌پردازد و برای این منظور، تاریخچه تقویم‌های رایج در این نواحی را مطالعه می‌کند. همچنین سابقه طرح تقویم مستقل در این نواحی را در آثار سکه‌شناسان سده نوزدهم بررسی و تاریخچه طرح این تقویم‌های ادعایی را پیگیری می‌کند، ادله مدعیان این تقویم‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد و به بررسی پیامدها و آثار این پدیده می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که تقویم‌های ادعایی همگی همان تقویم فرس قدیم‌اند که عمداً یا سهواً تقویم‌های مستقل معرفی شده‌اند. این بررسی همچنین نشان می‌دهد که چگونه گفتمان هویتی در ظهور و اشاعه این تقویم‌های نوپدید دخیل بوده است و این تقویم‌ها خود به مؤلفه‌های کلیدی در گفتمان هویتی تبدیل شده‌اند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶	
واژه‌های کلیدی: تقویم‌های ایرانی، تقویم فرس، تقویم یزدگردی، تقویم دیلمی، تقویم طبری، گیلان، مازندران	
<p><b>استناد به این مقاله:</b> جم، پدرام (۱۴۰۱). تقویم فرس قدیم در نواحی جنوبی دریای مازندران و مسئله تقویم‌های دیلمی و طبری. فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۴(۳): ۹۶-۱۱۵.</p> <p><b>ناشر:</b> مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	

## مقدمه

در نیم‌قرن اخیر شماری از دانشوران گیلانی و مازندرانی مدعی شده‌اند که نواحی جنوبی دریای مازندران از روزگاران باستان تقویم‌هایی متمایز از دیگر تقویم‌های رایج در ایران داشته است. این تقویم‌های ادعایی را تقویم دیلمی / گالشی / گیلانی و تقویم طبری / مازندرانی نامیده‌اند و برای دو تا از آنها مبدأ تاریخی (مبدأ گیلکی، مبدأ طبری) قائل شده‌اند. به باور ایشان این تقویم‌ها در اثر تحمیل تقویم‌های غیربومی از سوی دولت‌های ایرانی رو به افول و فراموشی گذاشته‌اند و از این رو، احیای این تقویم‌ها را اقدامی در پاسداشت هویت جمعی مردمان این ناحیه دانسته‌اند. در سالیان اخیر این تقویم‌های ادعایی به واسطه اعتماد به کتاب‌ها و مقالاتی که مدعی معرفی و پژوهش آنها هستند، راه خود را به متون جدی‌تر باز کرده‌اند. بخش نخست این مقاله تاریخچه تقویم‌های رایج در گیلان و مازندران را بررسی می‌کند. بخش دوم به تقویم جدید ایران و تأثیرات آن بر تقویم قدیم (فُرس) رایج در این نواحی می‌پردازد. بخش سوم، سابقه طرح فرضیه «مبدأ طبری» از سوی سکه‌شناسان سده نوزدهم را بررسی می‌کند. بخش چهارم، پیشینه طرح تقویم‌های دیلمی / گالشی / گیلانی و طبری / مازندرانی و تحولات مربوط به آنها در سده اخیر را مطالعه می‌کند، به نقد ادله مدعیان این تقویم‌ها می‌پردازد و پیامدها و آثار آن تقویم‌ها را به لحاظ آکادمیک و اجتماعی بررسی می‌کند.

## پیشینه تقویمی نواحی جنوبی دریای مازندران

در روزگار پیش از اسلام گونه‌ای تقویم خورشیدی در مناطق تحت فرمانروایی ساسانیان رایج بود که به سبب عدم محاسبه کسر مازاد سال، سال آن سیار بود و نسبت به فصول چهارگانه جابه‌جا می‌شد. این تقویم دوازده ماه سی‌روزه داشت، به علاوه پنجه (خمسه مستترقه) که مطابق با شیوه مرسوم در عصر ساسانی، آن را در هر ۱۲۰ سال از موضعش در آخر یک ماه به آخر ماه بعدی انتقال می‌دادند.<sup>۱</sup> با سقوط ساسانیان دو تحول عمده در این تقویم روی داد: نخست اینکه انتقال پنجه متوقف شد و پنجه در همان موضعی باقی ماند که در زمان سقوط ساسانیان قرار داشت؛ پس از آبان‌ماه (ماه هشتم). دیگر تحول مهم این تقویم، به‌کارگیری آن با دو مبدأ ثابت بود: اولی به پیروی از سنت گاه‌نگارانه ساسانیان از نوروز (اول فروردین) نخستین سال پس از شروع فرمانروایی یزدگرد سوم (شانزدهم ژوئن ۶۳۲ میلادی) محاسبه می‌شد، اما پس از درگذشت وی هم استفاده از آن ادامه یافت. دیگری از نوروز سال پس از درگذشت یزدگرد سوم (یازدهم ژوئن ۶۵۲ میلادی) محاسبه می‌شد و با مبدأ پیشین، اختلاف بیست‌ساله داشت.

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص تقویم عصر ساسانی نک. جم، ۱۳۹۵ الف: ۳۵-۴۷.

این تقویم که در متون تاریخی دوره اسلامی با نام تاریخ فرس و تاریخ یزدگردی شناخته می‌شد، اگرچه در طی قرون در بسیاری مناطق فراموش شد، اما در برخی جاها، من جمله نواحی جنوبی دریای مازندران و برخی کوهپایه‌های جنوبی رشته‌کوه البرز (سمنان و طالقان)، در میان زرتشتیان ایران و برخی ساحل‌نشینان خلیج فارس و شمار کوچکی از کردها و لرها تا عصر حاضر دوام آورد. این تقویم در متون تاریخ محلی گیلان و مازندران نیز از سوی دانشوران محلی با نام تقویم فرس شناخته می‌شد و تنها اختلاف میان آن و تقویم فرس رایج در دیگر نواحی، از اصلاحی در تقویم فرس ناشی می‌شد که در نیمه دوم سده چهارم یزدگردی (اوائل سده یازدهم میلادی) به عمل آمد و بنا بر آن، پنجه را که از زمان سقوط ساسانیان در آخر آبان‌ماه قرار داشت و حرکت دادن یک‌ماهه آن در هر ۱۲۰ سال متوقف مانده بود، برای جبران توقفش در سده‌های پیشین، یک‌باره به آخر اسفندماه منتقل کردند، اما در نواحی جنوبی دریای مازندران و خراسان از این اصلاح تقویمی پیروی نکردند و در آنجا تا روزگار فعلی پنجه در آخر آبان‌ماه باقی ماند.

نام ماه‌های این تقویم در نواحی مختلف جنوب دریای مازندران به صورت‌های گویشی مختلف ادا می‌شد،<sup>۲</sup> اما در اصل تقویم تفاوتی نبود. متون تاریخ محلی صورت رسمی ماه‌های این تقویم را گاهی با کمی اختلاف به کار می‌بردند و از آنجا که این اسامی با نام ماه‌های تقویم جلالی (فروردین، اردیبهشت ...) یکسان بود، برای تمایز این ماه‌ها از ماه‌های تقویم جلالی، صفت «قدیم» را پس از نام ماه‌های این تقویم می‌افزودند (فروردین‌ماه قدیم، اردیبهشت‌ماه قدیم ...).<sup>۳</sup> استثنای مهم بر این قاعده، ثبت نام‌های محلی ماه‌های تقویم فرس با مبدأ هجری از سوی کاتب نسخه‌ای (شماره ۱۲۷ کتابخانه مغنيسا گنل) از تفسیر کتاب *الله ابوالفضل بن شهردویر* است.<sup>۴</sup>

کاربرد این تقویم با هر دو مبدأ تاریخی تقویم فرس قدیم (مبدأ بر تخت نشستن یزدگرد سوم: کتیبه برج گنبد قابوس در گرگان قدیم، کتیبه صندوق چوبی امیر شمس‌الدین بن امیر کمال‌الدین در امامزاده زین‌العابدین ساری؛ و مبدأ درگذشت یزدگرد: سکه‌های اسپهبدان طبرستان) و مبدأ هجری (در نسخه‌ای از تفسیر کتاب *الله* و بسیاری از اشارات تاریخی در کتب تاریخ محلی) در نواحی جنوبی

۲. برای صورت‌های گوناگون نام‌ها نک. تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۹۴-۳۹۶؛ رضازاده ملک، ۱۳۵۶: ۶۷-۷۶؛ برجیان، ۱۳۸۴: ۷۷.

۳. ماه‌های قدیم گویا به ماه‌های «گیری» هم مشهور بوده‌اند؛ نک. علامه، ۱۳۳۸: ۱۱۱. علی بن شمس‌الدین لاهیجی (۱۳۵۲: ۳۶۹) که نگارش تاریخ خانی را در سال ۹۲۲ هجری به پایان برد، نوروز قدیم را «نوروز گیری» نامیده است. همچنین نک. رضازاده ملک، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۶.

۴. پیله فقیه بن محمد کنجه کلائی، کاتب نسخه که از زیدی‌مذهبان شرق گیلان بود، کتابت آن را در روز دوشنبه ۱۷ ماه قدیم نوروزماه (= اسفندماه) سال ۸۹۹ هجری به پایان برد و آن را در روز جمعه ۱۲ ماه قدیم سیاماه (= فروردین‌ماه) سال ۹۰۴ هجری نزد یکی از علمای زیدی قرائت کرد (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۳۰۵-۳۰۶). نام ماه‌های محلی در چند یادداشت تاریخی در حواشی صفحات اولیه دست‌نویس نیز به کار رفته است (همان).

دریای مازندران همچون دیگر نواحی ایران رایج بود.<sup>۵</sup> در سده‌های اخیر با ترک استفاده از این تقویم برای امور تاریخی و گاه‌نگارانه، مبادی تاریخی آن فراموش شد و کاربرد آن به رسوم و آیین‌ها و فعالیت‌های کشاورزی و چوپانی محدود گردید.<sup>۶</sup>

با آمدن اسلام تقویم هجری قمری، چه برای امور شرعی و چه برای کاربردهای عرفی، در نواحی جنوبی دریای مازندران رواج یافت. پس از ابداع تقویم جلالی در سده پنجم هجری (۴۷۱ هـ.ق) کاربرد آن نیز در این ناحیه رایج شد و همراه با آن، برخی جشن‌های وابسته به تقویم جلالی، همچون نوروز سلطانی (نوروز حمل) نیز به این ناحیه راه یافت (کیا، ۱۳۲۷: ۲۴۸؛ تقی‌زاده، ۱۳۵۷: یادداشت مربوط به صفحه ۲ به نقل از موسی نثری همدانی؛ پورکریم، ۱۳۴۷: ۲۲-۲۳؛ پورکریم، ۱۳۴۸: ۶۵، ۸۴؛ برجیان، ۱۳۸۴: ۷۴).

### ۱. آثار تقویم جدید ایران بر تقویم قدیم نواحی جنوبی دریای مازندران

آخرین (چهارمین) تحول تقویمی در این نواحی با تصویب تقویم جدید ایران (تقویم هجری شمسی) در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در مجلس شورای ملی و رواجش در سال‌های بعد روی داد. با رایج شدن تقویم جدید ایران، تقویم فرس قدیم بیش از پیش در نواحی جنوبی دریای مازندران رو به فراموشی گذاشت و آشنایی با آن و کاربردش، به کهن‌سالان و چوپانان و کشاورزان برخی نواحی محدود شد. رواج تقویم جدید ایران موجب تغییراتی در تقویم قدیم نیز شد: در برخی نقاط، خصوصاً در مازندران، تطبیق میان ماه‌های تقویم فرس قدیم و ماه‌های تقویم جدید ایران پدید آمد<sup>۷</sup> و برخی مناسبت‌های آیینی تقویم کهن در روزهای ثابتی در ماه‌های متناظر تقویم جدید برگزار شد؛ مثلاً تیرماه‌سیزده (۱۳ تیرماه قدیم) در روز ۱۳ آبان‌ماه (اجرای مراسم در غروب ۱۲ آبان‌ماه) هجری شمسی تثبیت شد (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۰۹؛ برجیان، ۱۳۸۴: ۷۵).<sup>۸</sup> آنچه تثبیت مناسبت‌های تقویم قدیم را در روزهای ثابتی از تقویم جدید ممکن کرد، ترک کاربرد آن در امور روزمره و در نهایت، فراموشی آن بود. تثبیت مناسبت‌های تقویم قدیم در روزهای ثابتی از تقویم جدید، این تصور نادرست

۵. برای شواهد کاربرد این تقویم در نواحی جنوبی دریای مازندران نک. رضازاده ملک، ۱۳۸۴: ۲۲۴-۲۴۰.

۶. برخی دانشوران با توسل به خبری در تاریخ طبرستان شاهی برای یک مبدأ متفاوت از مبدأ فرس (یزدگردی) تصور کرده‌اند. ابن اسفندیار تاریخ مرگ آذرولاش و آغاز فرمانروایی گیل‌گیلان‌شاه را سال سی و پنج «از تاریخی که عجم به نو نهاده بودند» ذکر کرده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ج ۱: ۱۵۴)، اما همین خبر که اولیاءالله املی به نقل از ابن اسفندیار آورده، این توضیح مهم را در ادامه دارد: «و آن را یزدجردی گویند» (املی، ۱۳۴۸: ۳۴).

۷. مثلاً در بندین و چوشل آذرماه قدیم (سیاما) با فروردین‌ماه هجری شمسی برابر گزارش شده (ستوده، ۱۳۳۲: ذیل نام ماه‌ها)، اما در علی‌آباد فریم آبان‌ماه قدیم (آنه‌ما) با فروردین‌ماه هجری شمسی مطابقت داده شده است (ستوده، ۱۳۴۱).

۸. تیرماه‌سیزده تقویم فرس در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۰ مقارن با ۱۳ آبان‌ماه تقویم جدید ایران بود (نک. جدول پیوست).

را پدید آورد که تقویم قدیم نیز به مانند تقویم جدید ایران کبیسه داشته است چنان‌که گویا در سال‌های کبیسه یک روز به پنجه افزوده‌اند (نک. مظفری، ۱۳۶۰: ب: ۲). به‌علاوه، در برخی نواحی کوهستانی گیلان تحت تأثیر تقویم جدید ایران پنجه را با پنج روز نخست فروردین‌ماه جلالی و هجری شمسی هم‌زمان و تثبیت کردند (نک. مظفری، ۱۳۶۰ الف: ۲؛ فلاح، ۱۳۹۰: ۱۶۳). هدف از آن، تطبیق تقویم فرس قدیم با تقویم جلالی از طریق هم‌زمانی روز نخست پنجه - که در این نواحی به نام «روز سلطان» شناخته می‌شد - با نوروز جلالی است که در این نواحی به نام «نوروز سلطان» معروف بود. این تحول تنها در سطح محلی و به شیوه‌ای غیر نظام‌مند و حساب‌نشده روی داد (نک. ادامه مقاله).

## ۲. سکه‌های اسپهبدان طبرستان و مسئله مبدأ تاریخ آنها

گذشته از چهار نظام تقویمی نام‌برده (فرس قدیم، هجری، جلالی، تقویم جدید ایران) تقویم دیگری از نواحی جنوبی دریای مازندران گزارش نشده است.<sup>۹</sup> متون کهن هیچ‌یک از این نظام‌های تقویمی را نیز به اسمی متمایز که دال بر کاربرد انحصاری آن در این نواحی باشد ننمایداند یا یک تقویم محلی تصور نکرده‌اند. نخستین تصور یک نظام تقویمی مختص به ساکنان جنوب دریای مازندران، تنها با ارزیابی نادرست تاریخ‌های مندرج بر سکه‌های اسپهبدان طبرستان (آل دابویه) در حدود نیمه سده نوزدهم میلادی پدید آمد. آل دابویه که پس از سقوط ساسانیان در طبرستان فرمانروایی داشتند، از سال شصتم تا پایان دوران فرمانروایی‌شان به ضرب سکه‌هایی پرداختند که تاریخ مندرج بر آنها از مبدئی که بعدها مشخص شد همان مبدأ بیست سال پس از مبدأ یزدگردی است، شمارش شده است. در حدود نیمه سده نوزدهم، تعلق شماری از سکه‌های طبرستان به اسپهبدان طبرستان محرز شد. آل‌سهاوزن که از طریق *تقویم‌التواریخ* حاجی خلیفه با «تاریخ فرس قدیم» آشنا بود، متوجه ارتباط تاریخ درج‌شده بر روی سکه‌ها با این مبدأ شد، اما به پیروی از حاجی خلیفه که «ابتدای تاریخ فرس قدیم» را به نادرستی سال ۳۲ هجری (به جای ۳۱ هجری) آورده بود، روز نخست این مبدأ را به اشتباه یک سال پس از آن مبدأ، یعنی یازدهم ژوئن سال ۶۵۳ میلادی قرار داد (Olshausen, 1843: 36-38). کرافت پس از او به نتیجه متفاوتی رسید. به‌زعم او، سال ۶۴۵ میلادی سالی بود که فرمانروایی گاوباره، نیای اسپهبدان دابویی، پس از تصرف طبرستان، از سوی یزدگرد سوم به رسمیت شناخته شد و همان سال، آغاز فرمانروایی اسپهبدان دابویی بود (Krafft, 1844: 16). چند سال بعد موردتمان تصور کرد که مبدأ تاریخ سکه‌های اسپهبدان طبرستان باید «زمان استقلال

۹. تقویم شاهنشاهی که دوره رواجش کمتر از دو سال و نیم بود، از این مرور تاریخی بیرون گذاشته شده است.

طبرستان» بوده باشد. او مبدأ سکه‌ها را «مبدأ طبرستان» (Aera von Taberistan) نامید و آن را برابر با سال ۶۵۲ میلادی تعیین کرد (Mordtmann, 1854: 177-179)، اما بعدها به اشتباه تصور کرد که مبدأ تاریخ‌های سکه‌های طبرستان یک سال پیش از مبدأ «بیست سال پس از مبدأ یزدگردی» است و آن را در سال ۶۵۱ میلادی قرار داد (Mordtmann, 1871: 33-34). اگرچه در اواخر سده نوزدهم میلادی دانشمندی چون یوستی نظر کرافت را پذیرفتنی‌تر می‌دانست (Justi, 1896-1904: 548 no. 2)، اما نظر اخیر موردتمان باور رایج بسیاری از پژوهشگران در آن زمان و در چهار دهه نخست سده بیستم بود (نک. Marquart, 1901: 133). در میان ایرانیان، جمالزاده، کسروی و تقی‌زاده به پیروی از شرق‌شناسانی که نظر اخیر موردتمان را پذیرفته بودند، مبدأ سکه‌های اسپهبدان طبرستان را یک سال پیش از مبدأ «بیست سال پس از مبدأ یزدگردی» تعیین کردند و آن را با نام «تاریخ طبری» در آثار خود معرفی نمودند (تقی‌زاده، ۱۳۱۶: ۱۷۹-۱۸۰؛ یادداشت ۳۳۹؛ جمالزاده، ۱۳۷۲: ۶۷، ۲۰۹؛ یادداشت ۲۱۹؛ کسروی، ۱۳۵۲: ۱۵). در نهایت اما این تقی‌زاده بود که نشان داد (۱۹۳۹) مبدأ سکه‌های طبرستان همان «مبدأ بیست سال پس از تاریخ یزدگردی» است و بنابراین اصطلاح «تاریخ طبری» اساسی ندارد (Taqizadeh, 1939: 918-922؛ تقی‌زاده، ۱۳۵۷: یادداشت قلمی روبه‌روی صفحه ۱۷۹). پس از آن، به‌رغم محاسبه گهگاهی سال مبدأ سکه‌ها مطابق نظر اخیر موردتمان (۶۵۱ م)، فرض وجود یک مبدأ مستقل در سکه‌های طبرستان با نام «مبدأ طبری» یا «تاریخ طبری» به کلی کنار نهاده شد.<sup>۱۰</sup>

### ۳. «تقویم طبری» و «تقویم دیلمی»

در تمام دوره‌ای که محاسبه تاریخ سکه‌های اسپهبدان از مبدأ ادعایی «طبری» رایج بود، هرگز کسی آن را یک نظام تقویمی کامل تصور نمی‌کرد. صادق کیا (۱۲۹۹-۱۳۸۰) هم که در دهه ۱۳۲۰ شمسی تهیه واژه‌نامه برای نصاب طبری اثر امیر تیمور قاجار را موضوع رساله دکتری خود قرار داد و از ترکیب «گاه‌شماری طبری» برای نامیدن تقویم قدیم رایج در طبرستان - که نام ماه‌های آن در سه بیت از نصاب ذکر شده بود - استفاده کرد (کیا، ۱۳۲۷: ۴۴، ۲۴۷-۲۵۰؛ نک. رضازاده ملک، ۱۳۶۰: ۸۲۷-۸۲۸)، خود به نیکی واقف بود که آنچه گاه‌شماری طبری‌اش خوانده همان تقویم فرس قدیم است. امیر تیمور قاجار خود نام ماه‌های این تقویم را «اسامی ماه فرس» خوانده بود. آنچه کاربرد «گاه‌شماری طبری» را در نظر کیا موجه جلوه داد، احتمالاً مشاهده ترکیب «نوروز طبری» در

۱۰. همچنین نک. رضائی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۱۲ و پاسخ او به اشتباه یکی از مؤلفین که مبدأ سکه‌های طبرستان را سال ۶۴۵ میلادی دانسته است.

برخی چاپ‌های سنگی شرح بیست باب ملامظفر گنابادی (کیا، ۱۳۲۷: ۲۴۸) و کاربرد «مبدأ طبری» در آثار سکه‌شناسان قدیم بود. شاید هم آن نامگذاری صرفاً به قرینه «گوش طبری» صورت گرفته بود. اما چنانکه نشان داده شده، «نوروز طبری» اساسی در واقعیت‌های تقویمی نداشت و جعل آن ترکیب، از برداشت نادرست ناشی می‌شد (برای اطلاع بیشتر نک. جم، ۱۳۹۵: ۴۳-۵۴). بی‌اساس بودن کاربرد «مبدأ طبری» را نیز تقی‌زاده پیشتر نشان داده بود و نامگذاری تقویم با معیار قرار دادن نام‌های محلی ماه‌ها هم توجیهی نداشت.

با این حال و به‌رغم سابقه کاربرد اصطلاح «تقویم طبری» برای تقویم فرس قدیم رایج در مازندران، فرض وجود تقویم/تقویم‌های مستقل و متفاوت از تقویم فرس قدیم تنها در اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی به میان آمد. در سال ۱۳۴۹ عبدالرحمن عمادی (۱۳۰۴ اشکور گیلان-۱۳۹۸)، وکیل دادگستری، در خطابه‌ای (انتشار ۱۳۵۴) در نخستین کنگره ایران‌شناسی مدعی شد که در نواحی کوهستانی گیلان (دیلمان) تقویم مستقلی وجود دارد که سال آن، برخلاف تقویم فرس کهن، ثابت است و نوروز آن همواره در نیمه تابستان (برابر با ۱۵ مردادماه تقویم جدید ایران) قرار دارد. او این تقویم را «تقویم دیلمی» خواند و مدعی شد که این تقویم در هر چهار سال، با افزودن یک روز به پنجه در آخر آبان‌ماه، کیسه می‌شود (عمادی، ۱۳۵۴: ۳۲۵؛ همچنین نک. عمادی، ۱۳۵۱: ۵۹۸).<sup>۱۱</sup> عمادی نام‌های محلی ماه‌ها را مستقل و متفاوت از اسامی ماه‌های تقویم فرس و جلالی معرفی کرد و برای این منظور، وجوه تسمیه عامیانه نام‌های محلی برخی ماه‌های تقویم را اساس کار قرار داد و برای پاره‌ای دیگر نیز به تراشیدن ریشه‌های غیرعلمی پرداخت؛ مثلاً وَرْفَن‌ما (varfan-mā) را که صورت گویشی از بهمن‌ماه (بهمن از فارسی میانه: Wahman، اوستا: Vohu-manah) است، «فرو گذاشت کام و کار» معنا کرد (عمادی، ۱۳۵۳: ۵۸۹؛ همچنین عمادی، ۱۳۵۱: ۵۹۸)<sup>۱۲</sup> و مردال‌ما را که صورت گویشی مردادماه (مرداد از فارسی میانه: Amurdād، اوستا: Amərətāt) است، به

۱۱. به‌علاوه عمادی مدعی شد که در کتاب‌های قدما شواهدی یافته است که نشان می‌دهد در روزگاران پیش از تقویم زرتشتی‌ها همین تقویم و همین نوروز تابستانی وجود داشته است (عمادی، ۱۳۵۴: ۳۲۶). عمادی هرگز این شواهد را ارائه نکرد. او مناظره‌ای بین چوپانی محلی و منجمی شهری را نقل کرده و آن را به شعر درآورده و از زبان چوپان مدعی شده که نوروز همواره در میانه تابستان بوده است (عمادی، ۱۳۷۳: ۲۷-۲۹). او بعدها به‌نادرستی نوروز دریایی را - که همان نوروز قدیم است که در مناطق خلیج فارس و دریای عمان چنین نامیده می‌شود - نیز بر مبنای انقلاب تابستانی و قابل قیاس با «تقویم دیلمی» معرفی کرد (عمادی، ۱۳۸۸: ۲۰).

۱۲. این گرایش در زمان‌های بعد هم ادامه یافته است؛ مثلاً مظفری (۱۳۶۰ الف: ۲) که نام این ماه را «ورف‌نما» املا می‌کند، آن را مرکب از سه کلمه ورف + نه + ماه، به معنای «ماهی که در آن هرگز برف نیامده» می‌داند. همچنین نک. ریشه‌شناسی دیه‌ما و سیاما در مظفری، ۱۳۵۸: ۲. پاینده لنگرودی (۱۳۷۷: ۱۴۲-۱۴۷) تفنن عمادی در خصوص معنا، ریشه نام ماه‌ها و دیگر ابداعات تقویم موسوم به دیلمی را تکرار می‌کند.



معنای مُردار گرفت و آن را برای ماهی که به ادعای او همواره در «تقویم دیلمی» به اواخر پاییز و اوایل زمستان می‌افتاد نامی مناسب دانست (عمادی، ۱۳۵۴: ۳۲۷).<sup>۱۳</sup>

عمادی با این کار به اسامی ماه‌های محلی هویتی مستقل از ماه‌های تقویم فرس بخشید و این رویه را در دیگر نوشته‌های خود تکرار کرد (نک. عمادی، ۱۳۸۸). افزون بر آن، او کوشید تا نشان دهد که معنای ماه‌ها - آن‌گونه که او مدعی بود - با موقعیت فصلی فعلی آنها مناسبت کامل دارد و این تناسب را دلیلی افزون برای ثابت بودن موقعیت ماه‌ها در فصول چهارگانه سال در ادوار گذشته دانست. او نوروز به اصطلاح تقویم دیلمی را «نوروز بل» نامید و این نام را از شعری محلی که در هنگام افروختن آتش در شامگاه نوروز قدیم خوانده می‌شد،<sup>۱۴</sup> انتخاب کرد (عمادی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸). نوروز بل به معنای «شعله نوروز» به آتشی گفته می‌شد که در شامگاه روز قبل از نوروز قدیم افروخته می‌شد؛ چنان‌که در بعضی نواحی گیلان، همچون رودبار، به چهارشنبه‌سوری که صورت تحول‌یافته رسم برافروختن آتش شامگاه نوروزی است، «آتش ولی» یا «آتش بلی» گفته می‌شود (قاسمی دارستانی، ۱۳۸۵-۱۳۸۴: ۳۸؛ بشرا و طاهری، ۱۳۸۵-۱۳۸۷: ج ۱: ۷۱). اما عمادی برای پنهان کردن هر نوع پیوند آن با مراسم سال نو ایران باستان، ادعا کرد که مقصود از افروختن آتش، آگاهی دادن فرارسیدن سال نو بوده است (عمادی، ۱۳۸۸: ۲۰). او مدعی شد که «تقویم دیلمی» بر مبنای انقلابین تنظیم شده و به روزگار پیش از زرتشت بازمی‌گردد و زرتشت آن را دیوی اعلام کرده است (عمادی، ۱۳۵۹: ۷۷۹-۷۸۰؛ عمادی، ۱۳۸۸: ۲۰).

عمادی توضیح نداد که به فرض کیبسه بودن تقویم مورد ادعایش در هر چهار سال (به شیوه تقویم یولیانی!) چگونه ممکن است در طی سالیان دراز تطابق کامل میان مناسبت‌های این تقویم با تاریخ‌های تقویم جلالی و تقویم جدید ایران برقرار باشد که در هیچ‌یک از اینها نظام کیبسه‌گیری به شیوه یک بار در هر چهار سال نیست. عمادی همچنین توضیح نداد که چگونه ممکن است در طی سالیان دراز، نوروز این تقویم ادعایی با کیبسه چهارساله‌اش از موضع نجومی خود جابه‌جا نشود و همچنان، به‌زعم عمادی، در قلب الاسد برجا بماند؛ حال آنکه تقویم‌های با این شیوه از کیبسه‌گیری،

۱۳. برای ریشه‌شناسی نام‌های محلی تقویم فرس نک. Paul & Elbers, 2020: 304-307. در اینجا نویسندگان از «تقویم‌های محلی کاسپی» سخن به میان می‌آورند و آنها را برگرفته از «تقویم نوواستایی» معرفی می‌کنند (idem: 301); باز هم نام‌گذاری مجعول برای یک واقعیت تقویمی کهن (تقویم فرس قدیم). اطلاق اصطلاح «نوواستایی» برای تقویم کهن پیش از اسلام ایران موجد ابهام است و بهتر است ترک شود. کهن‌ترین شواهد فعلاً شناخته‌شده نام‌های محلی ماه‌ها، برخلاف نظر نویسندگان، نه سده نوزدهم میلادی (idem: 302, n. 3)، بلکه اواخر سده نهم هجری/ پانزدهم میلادی است؛ کتاب الله نسخه مغنیا گنل. ریشه‌های پیشنهادی ایشان برای ورفن‌ما و سیاماه نیز پذیرفتنی نیست (idem: 305-306).

۱۴. گروم گروم بل / نوروز ما و نوروز بل

نو سال بی، سال سو / نو بیی خونه واشو

همانند تقویم یولیانی، در هر ۹۰۰ سال هفت روز از موضع نجومی خود جابه‌جا می‌شوند. واضح بود که تقویم ادعایی او همان تقویم فرس قدیم بود که از دوران کودکی به یاد می‌آورد. او سال‌ها بعد (۱۳۸۸) در پاسخ به این پرسش که آیا خود نوروز بل را دیده یا شنیده، گفت که به واسطه دوستی پدرش با سردسته گالشان، در سال ۱۳۱۲ (هشت‌سالگی) یک ماه در میان گالش‌های دهی به نام معلم‌خانی به سر برده و آداب و رسوم قدیم را از آنها به یاد دارد و شعر نوروز بل را از آنان شنیده است، اگرچه «آن موقع به سنی نبوده که آن را ثبت» کند (عمادی، ۱۳۸۸: ۲۰). چنانچه ادعای عمادی درست باشد، او در تابستان ۱۳۱۲ ناظر مراسم نوروز قدیم بوده است که در آن سال با روز ۱۷ مردادماه مقارن بوده و مراسم آن، در شب روز قبل (شامگاه ۱۶ مردادماه) برگزار شده است (نک. جدول پیوست). چنان که پیش از این شرح داده شد، تقویم فرس کبیسه نداشت، اما در اثر تطابق اخیر بعضی مناسبت‌های آن با تاریخ‌های تقویم جدید ایران چنین به نظر می‌آید که پس از سه سال عادی و گاهی پس از چهار سال عادی کبیسه دارد، آن هم درست متناظر با همان سال‌هایی که در تقویم جدید ایران کبیسه بود.

در سال ۱۳۵۶ شمسی رحیم رضازاده ملک در «یادداشت‌هایی درباره گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران» آن تقویم را مورد مطالعه قرار داد و بر ویژگی‌های اصلی‌اش، همچون نداشتن کبیسه و سیار بودن سال تأکید کرد. عمادی در مقاله‌ای در نشریه آینده در سال ۱۳۵۹ در مقام انتقاد از آن نوشتار برآمد و هنگامی که رضازاده ملک به او پاسخ سختی داد و نادرستی نظراتش را آشکار کرد (۱۳۶۰)، به احتجاجات او بی‌اعتنا ماند.

پیدایش فرضیه وجود تقویم(های) مستقل در دیلمان (و بعدها در سراسر گیلان و نیز مازندران) خود بر تصور استقلال گیلان (و مابقی نواحی جنوبی دریای مازندران) از دولت‌های مرکزی در روزگار پیش از اسلام و تفاوت‌های فرهنگی بنیادین این ناحیه نسبت به نواحی داخلی ایران استوار بود. تصور استقلال نسبی نواحی جنوبی دریای مازندران سابقه‌ای در آثار ایران‌شناسان قرن نوزدهم داشت و به‌خصوص از ایده مهاجرت اریه‌ها از «سرزمین اصلی» (Urheimat) به فلات ایران متأثر بود. الگوی حاکم بر این ایده، تصرف خشونت‌بار فلات ایران از سوی اریه‌ها و کشاکش بومیان با مهاجمان بود. این الگو بر حفظ استقلال بومیان به یاری موانع طبیعی نواحی شمالی فلات ایران تأکید داشت و در تأیید نظر خود به *اوستا* و *شاهنامه* استناد می‌کرد. جذابیت این ایده برای گفتمان‌های هویتی در گیلان دور از انتظار نبود و به‌خصوص در میان محافل چپ‌گرای محلی در دهه چهل و پنجاه شمسی طرفدارانی داشت. در تصور آنان، گیلان، به لحاظ تاریخی، کانون مقاومت محلی در برابر سیطره نیروهای سلطه‌گر خارجی بود و دولت‌های مرکزی ایران پیش و پس از اسلام نیز مصداق تمام‌عیار این نیروهای سلطه‌گر بودند. در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی که

گرایش‌های چپ در گیلان نمود آشکارتری یافت، موضوع تقویم در کانون مباحثات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفت. دوهفته‌نامه *دامون* (نشریه فرهنگسرای خلق گیلان)<sup>۱۵</sup> در رشت که هدف اساسی خود را «احیای زبان و ادبیات گیلکی و اشاعه فرهنگ گیلک» معرفی کرده بود (ستون «حرف اول» شماره پنجم، اول خردادماه ۱۳۵۹) یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز دیدگاه‌های محلی و گفتمان هویتی با گرایش‌های چپ بود و در آن، تکاپو بر سر تقویم، پایه‌های موضوعات هویت جمعی همچون نگاشتن به زبان گیلکی و انتخاب خط مناسب برای آن (جکتاجی، اول خرداد ۱۳۵۹: ۲، ۸)، پیشنهاد تأسیس «کانون نویسندگان گیلک» (پانزدهم مردادماه ۱۳۵۹) و انتخاب و به‌کارگیری «واژه‌های معادل و اصیل گیلکی» برای واژه‌های فارسی یا عربی (پانزدهم خردادماه ۱۳۶۰) جریان داشت. *دامون* تقویم مورد ادعای عمادی را «تقویم گیلانی» معرفی کرد و مدعی کاربرد تاریخی آن در کل گیلان شد. در آن نشریه محمدولی مظفری کجیدی (۱۳۱۷-۱۳۶۲)، از اهالی دیلمان (روستای کجید)، با نشر یادداشت‌هایی ادعای عمادی را درباره کبیسه داشتن «تقویم دیلمی/گالشی» تکرار کرد. اما آنچه در نوشته‌های او اهمیت داشت این بود که او دو پنجه را در تقویم به اصطلاح دیلمی/گالشی تمایز داده است: پنجه قدیم و پنجه جدید. او پنجه قدیم را برابر با روزهای ۱۳-۱۷ فروردین‌ماه شمسی قرار داد و پنجه جدید را مقارن با ۱-۵ فروردین‌ماه اعلام کرد و تثبیت و تطبیق پنجه (روز سلطان و چهار فصل) با پنج روز نخست فروردین‌ماه تقویم شمسی را حاصل اجبار و «دخالست مستقیم و استعمار فتودالی در زندگی این مردم آزاده (گالش‌ها)» دانست (مظفری، ۱۳۶۰ الف: ۲).<sup>۱۶</sup> در روزگار او (اواخر دهه پنجاه) تازه بودن این تحول در خاطر گالشان زنده بود.

در این سال‌ها مدعیان تقویم دیلمی/گالشی بر این باور بودند که چون استفاده از آن تنها در میان شبانان و دهقانان مرسوم بوده، مبدأ تاریخ نداشته است. اما فقدان مبدأ تاریخ مانعی جدی برای استفاده از آن در مصارف امروزی بود و این فقدان از دید نویسندگان *دامون* دور نماند. *دامون* (شماره مسلسل ۳۰، ۱۵ خرداد ۱۳۶۰: ۲، ۸) سه پیشنهاد برای «گزینش» مبدأ تاریخ ارائه داد: ۱. «گزینش مبدأ تاریخی بر مبنای کهن‌ترین سالی که از گیلکان (به نام اعقاب باستانی آنها) و سرزمین گیلان (با نامهای قدیمی) در تاریخ یاد شده است»؛ ۲. «گزینش مبدأ تاریخی بر مبنای سالی که گیلان رسماً

۱۵. *دامون* را محمدتقی پوراحمد جکتاجی (متولد ۱۳۲۶) تأسیس کرد. نخستین شماره *دامون* در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ به انتشار رسید. دوره نخست انتشار آن با شماره چهارم متوقف شد و دوره دوم یک سال بعد، از خردادماه ۱۳۵۹ تا توقف همیشگی‌اش در مردادماه ۱۳۶۰ ادامه یافت.

۱۶. پنجه تنها در سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۵ شمسی با روزهای ۱۳-۱۷ فروردین‌ماه تقویم جدید ایران مقارن بود (نک. جدول پیوست). مظفری در جدولی که آن را «تطبیق گاهشماری گالشی با گاهشماری رایج کنونی» نام نهاد، اول سال جدید «تقویم گالشی» را برابر با ۱۴ مردادماه تقویم جدید ایران قرار داد (مظفری، ۱۳۶۹: ۴۱۰-۴۱۳). نوروز نیز تنها در همان سال‌ها با ۱۴ فروردین‌ماه مقارن بود.

استقلال دیرین خود را از دست داد و از آن سال به صورت یکی از ایالات ایرانی درآمد؛<sup>۳</sup> «گزینش مبدأ تاریخی بر اساس ... سال اعلان جمهوری گیلان به زعامت میرزا کوچک‌خان (سال ۱۲۹۹ شمسی برابر ۱۳۳۸ قمری و ۱۹۲۰ میلادی)».

در تابستان سال ۱۳۶۰ انتشار *دامون* متوقف شد و در فاصله ده‌ساله پس از توقف انتشار آن، گرایش‌های چپ‌گرایانه گفتمان محلی گیلان فروکش کرد. با انتشار ماهنامه (بعدها دوماهنامه) *گیله‌وا* - که آن را باید جانشین *دامون* دانست - از سال ۱۳۷۰ در رشت، بحث درباره مؤلفه‌های هویت محلی، این بار به دور از گرایش‌های چپ، ادامه یافت.<sup>۱۷</sup> در دهه هفتاد تقویم ادعاشده نواحی کوهستانی، گاه‌شماری سنتی گیلانیان معرفی می‌شد و ادعا می‌شد که آثاری از این تقویم در میان گالش‌ها یعنی دامداران کوه‌نشین دامنه‌های شمالی رشته‌کوه‌های البرز باقی مانده است. نام انتخابی عمادی، «نوروز بل»، نیز به نامی ثابت برای نوروز این تقویم تبدیل شد (نک *گیله‌وا*، ۱۳۷۱: شماره ۲، ۳؛ عباسی، ۱۳۷۷-۱۳۷۸: ۲۵).

فراخوان *دامون* برای انتخاب مبدأ، در اواسط دهه هفتاد پاسخی متفاوت اما قابل پیش‌بینی یافت. نصرالله هومند (متولد ۱۳۳۱ آمل) با انتشار *گاه‌شماری باستانی مردمان مازندران و گیلان* اقدام به «محاسبه» مبدأ تقویم‌های مازندران و گیلان کرد. او که تفوق گیلانیان در اختراع تقویم نوپدیدشان و محرومیت مازندرانی‌ها از آن اسباب تفاخر را برنتافت، در ابتدا روزهای دوم و هفدهم مردادماه شمسی را به ترتیب نوروز ثابت «تقویم مازندران» و نوروز ثابت «تقویم دیلم» اعلام کرد. هومند با این فرض که تقویم‌های ادعایی‌اش با اعمال کیسه در تقویم کهن بدون کیسه ایران، از آن متمایز و جدا شده‌اند، پس از کسر تعداد سال‌های لازم برای انتقال نوروز سیار از این دو نوروز ثابت ادعایی (۲ و ۱۷ مردادماه تقویم جدید ایران) تا به نقطه اعتدال بهاری در سال ۳۸۵ شمسی (۳۷۵ یزدگردی)،<sup>۱۸</sup> «مبدأ دیلمی» را در سال ۴۲۷ میلادی و «مبدأ مازندرانی» را در سال ۴۸۹ میلادی قرار داد (هومند ۱۳۷۵: ۵۷-۹۶؛ هومند، ۱۳۸۲: ۹۱، ۹۳؛ نک. همچنین Cristoforetti, 2016). او این دو مبدأ را در همان چهارچوب زمانی قرار داد که چندین دهه پیش ذبیح بهروز در تقویم و تاریخ *دیر/ایران* ارائه کرده بود (نک. بهروز، ۱۳۳۱)، چنان‌که فاصله زمانی آن دو را از مبدأ آفرینش، مبدأ طوفان و «مبدأ زرتشت» (از مخترعات بهروز) نیز محاسبه کرد. محاسبات هومند نیز همگی بر مفروضات بی‌اساس، از قبیل تقویم پرسی (سوءتعبیر تقویم فرس)، تقویم‌های یزدگردی قدیم و یزدگردی نو (هر دو از مخترعات بهروز) بنا شده‌اند. هومند مبدأ به اصطلاح تقویم مازندرانی (۴۸۹ م) را سال شروع فرمانروایی کیوس، پسر قباد (۴۸۸-۴۹۶، ۴۹۸-۵۳۱ م) در پدشخوارگر (طبرستان)

۱۷. صاحب امتیاز و مدیر مسئول گیله‌وا نیز محمدتقی پوراحمد جکتاجی است.

۱۸. آخرین تاریخی که نوروز سیار با اعتدال بهاری یکی شده است.

تعبیر کرد، در حالی که کیوس در اواخر سلطنت پدرش پس از سال ۵۲۰ میلادی به فرمانروایی طبرستان رسید. انتخاب دلبخواه هومند از این لحاظ شایان توجه است که کیوس از گروندگان به مزدک و مورد حمایت مزدکیان بود و تاریخ‌نویسی جدید نیز عموماً مزدک را مبلغ مرام اشتراکی (کمونیستی) قلمداد می‌کند.

کتاب هومند، تا حدی به خاطر وضعیت نشر آن، از دایره آگاهی و توجه متخصصان تقویم در ایران بیرون ماند، اما در میان اهالی گیلان و مازندران هوادارانی یافت. از آن پس، تقویم‌هایی که هومند معرفی کرده بود، به نسخه استاندارد تقویم‌های نوپدید گیلان و مازندران تبدیل شد. با انتشار این کتاب راه برای دو تحول دیگر باز شد: تکاپو برای آنچه «احیای» رسوم باستانی طبری یا گیلانی باستان خوانده می‌شد و راه‌یابی تدریجی این تقویم‌های مجعول به متون جدی.

در سال ۱۳۸۵ شمسی گیلهوا/ ایده اجرای مراسم سال نوی ادعایی دیلمی/گیلکی را با همان نامی که عمادی باب کرده بود (نوروز بل) در موعده «ثابتی» از تابستان مطرح کرد و برای آن فراخوان داد. در آن زمان بیش از دو دهه از متروک شدن نوروز قدیم در میان گالشان دیلمان می‌گذشت و آداب و رسوم آن فراموش شده بود. مراسم نوظهور نوروز بل در سال ۱۳۸۵ چندان شباهتی به رسوم نوروز قدیم نداشت و در سال‌های بعد از آن نیز بیشتر به فستیوال‌های محلی شباهت یافت.<sup>۱۹</sup> نوروز بل را «آیین میراث فرهنگی گیلان باستان» معرفی کردند و مدعی شدند «مبدأ» این تقویم متعلق به اندیشه یا مذهب یا تفکر خاصی نبوده و تنها بر پایه مناسبات تولید به وجود آمده است و می‌تواند «مورد وفاق تمام گیلکان از هر اندیشه و مذهبی» قرار بگیرد. ادعا شد که نوروز بل از پیش از اسلام

۱۹. گیلهوا در سه سال نخست نوروز بل را در روستای ملکوت (گیلهوا، ۱۳۸۵؛ شماره ۹۰، ۳۸-۳۹) و در سال چهارم (۱۳۸۸) در شهرک دیلمان برگزار کرد. در سال‌های دوم، سوم و چهارم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گیلان در برگزاری آن مشارکت داشت (گیلهوا، ۱۳۸۶؛ شماره ۹۵، ۲۶؛ گیلهوا، ۱۳۸۷؛ شماره ۱۰۰، ۱۴۰). در سال پنجم (۱۳۸۹) نیروی انتظامی مانع از اجرای مراسم شد (گیلهوا، ۱۳۸۹؛ شماره ۱۱۰، ۱۸-۲۰)، اما پس از آن گروه‌های کوچک در جاهای مختلف گیلان آن را به صورت پراکنده هر سال برگزار کرده‌اند (نک. گیلهوا، ۱۳۹۰؛ شماره ۱۱۵، ۶؛ گیلهوا، ۱۳۹۲؛ شماره ۱۲۶، ۳-۴؛ گیلهوا، ۱۳۹۳؛ شماره ۱۳۲، ۲۰؛ گیلهوا، ۱۳۹۴؛ شماره ۱۳۷، ۷). در تمام این سال‌ها نشریه گیلهوا در اطلاع‌رسانی آن نقش اصلی داشته است. گیلهوا از سال ۱۳۸۷ «مبدأ دیلمی» و ماه‌های «تقویم دیلمی» را در کنار مبدأ شمسی بر روی جلد آورده و از اواخر سال ۱۳۸۸ آن مبدأ را «گیلان باستان» (۱۵۸۳ گیلان باستان) نامیده است. گیلهوا سپس پیشنهاد کرد نوروز بل «ثبت آثار فرهنگی کشور شود و در تقویم میراث فرهنگی وارد گردد» (گیلهوا، ۱۳۸۹؛ شماره ۱۱۰، ۲۰). در اواخر سال ۱۳۹۵ «نوروز بل» در فهرست میراث ناملموس ملی قرار گرفت (گیلهوا، ۱۳۹۶؛ شماره ۱۴۶، ۷؛ گیلهوا، ۱۳۹۷؛ شماره ۱۵۲، ۷) و با ثبت آن، راه برگزاری فستیوال نوروز بل دوباره باز شد (گیلهوا، ۱۳۹۶؛ شماره ۱۴۷، ۶؛ گیلهوا، ۱۳۹۷؛ شماره ۱۵۲، ۷؛ گیلهوا، ۱۳۹۸؛ شماره ۱۵۶، ۶). این مراسم در بعضی سال‌ها (۱۳۸۸) بیش از هفت‌هزار نفر را گرد هم آورده است. در دو سال نخست، این مراسم به پیروی از تقویم عمادی در پانزدهم مردادماه و از سال ۱۳۸۷، به پیروی از نظر هومند، در روز هفدهم مردادماه یا در یک روز تعطیل نزدیک به آن برگزار شد. اما در سال‌های اخیر مراسم در چند جا با فاصله زمانی تا حدود یک هفته برگزار شده است که دیگر ضرورتاً با تقویم نوظهور موسوم به گیلانی/دیلمی نیز مطابقت ندارد.

در گیلان مرسوم بوده و برگزاری آن از دیلمان تا پای کوه دماوند امتداد داشته است. همچنین ادعا شد که انتخاب نیمه تابستان به عنوان نوروز به دلیل ملاحظات خراجی صورت گرفته است (هومند، ۱۳۸۹: ۳۶؛ هومند، ۱۳۹۳: ۲۲).

در گوشه و کنار مازندران نیز کوشش برای اجرای مراسم سال نو با نامی که نوروز تقویم فرس کهن در آنجا بدان معروف بود، یعنی فردینه‌ماشو، در روز دوم مردادماه تقویم جدید ایران از دهه هشتاد شمسی شروع شد.<sup>۲۰</sup> در اشاعه این نوروز نوظهور، چاپ و نشر تقویم‌های سالانه نقش اساسی داشت.

در تمام این سال‌ها مدعیان این تقویم‌ها خود را از ثبت مشاهدات مردم‌شناسی و مستند کردن کاربرد این تقویم‌های ادعایی بی‌نیاز دانسته‌اند و نام ابداعی‌شان برای روز کیبسه (شیشک یا ویشک) را کسی از مردمانی که به‌زعم مدعیان، این تقویم‌ها در میان آنان رایج بوده، هرگز نشنیده است. ایشان هرگز از خود نپرسیده‌اند که چگونه ممکن است به فرض رواج کیبسه‌های چهارساله در تقویم‌های ادعایی‌شان، مناسبت‌های آن تقویم‌ها، همانند تیرماه‌سیزده، همواره با یک تاریخ ثابت در تقویم جدید ایران مثلاً ۱۳ آبان‌ماه برابر باشد که در همین دوره کمتر از صدساله رواج آن، سه مرتبه کیبسه‌اش پنج‌ساله بوده است.<sup>۲۱</sup> در تمام این سال‌ها بحث بر سر این تقویم‌ها بیشتر به طرفدارانشان در میان اهالی استان‌های شمالی محدود بوده و ابداعات آنان توجه دانشوران دیگر را کمتر برانگیخته است.<sup>۲۲</sup> یکی از محدود واکنش‌ها، نامه منوچهر ستوده خطاب به صاحب امتیاز و مدیر مسئول گیله‌وا است که در آن از نوآوری‌های تقویمی و تقویم دیواری چاپ‌شده انتقاد کرد و نگرانی خود را نسبت به

۲۰. در سال‌های اخیر رقابت بعضی مدیران فرهنگی گیلان و مازندران در انتشار این پدیده بی‌تأثیر نبوده است. در هر دو استان سازمان‌های فرهنگی در برگزاری مراسم مشارکت کرده‌اند (نک یادداشت ۱۹)، یا خود در برپایی آن پیشگام بوده‌اند (مثلاً کارناوال فردینه‌ماشو در سال ۱۳۹۸ در ساری). ثبت ملی «نوروز بل» و جا ماندن مازندران در ثبت نوروز نوپدید خود (فردینه‌ماشو)، احساس غبنی ایجاد کرد که جز با ثبت ملی آن در سال ۱۳۹۹ جبران نشد.

۲۱. کیبسه معضل بزرگی پیش روی مدعیان این تقویم‌ها قرار داده است. بعضی‌ها کیبسه‌های تقویم جلالی و تقویم جدید ایران را همواره چهارساله تصور کرده‌اند و همان را برای تقویم‌های کذابی خود ادعا کرده‌اند. اما تقارن دائمی مناسبت‌های این تقویم‌های ادعایی با تاریخ‌های ثابتی از تقویم جدید ایران نادرست بودن این ادعا را نشان می‌دهد. با تذکار نادرستی آن فرض، دور از تصور نبود که ادعا شود کیبسه‌های آن تقویم‌های کذابی به شیوه کیبسه‌های تقویم جلالی یا تقویم جدید ایران است. اما بی‌اطلاعی از شیوه کیبسه‌گیری تقویم جلالی و تقویم جدید ایران و ترتیب کیبسه‌های چهارساله و پنج‌ساله آنها مانع از قلم‌فرسایی در بیان شیوه کیبسه‌گیری چوپانان کوهستان‌ها شده است. از آنجا که کیبسه ادعایی چیزی جز اثر ظاهری تقویم جدید ایران بر تقویم کهن نیست، در تقویم ادعایی دیلمی/ گالشی که پنجه آن در عصر حاضر با پنج روز نخست فروردین‌ماه تقویم جدید ایران مطابقت داده شده است، کیبسه ادعایی یا همان روز ششم (شیشک یا ویشک) با روز سی‌ام اسفندماه تقویم جدید ایران مقارن می‌شود و به جای آنکه پس از روز پنجم پنجه باشد، به روز قبل از روز اول پنجه می‌افتد!

۲۲. عمده آثار دانشوران محلی دنباله‌روی محض از آثار عمادی یا هومند است. نصرالله هومند (۱۳۷۶: ۱۲-۱۰) نادرستی برخی نظریات عمادی را نشان می‌دهد، تنها برای اینکه نسخه تقویم ابداعی خود را به کرسی بنشاند.

مقصود این کارها ابراز داشت («نکند پشت این کارها جدائی گیلان در نظر باشد» ستوده، ۱۳۸۸: ۲۹؛ همچنین نک. بالائی لنگرودی، ۱۳۸۹). دور از انتظار نبود که در شرایط بی‌توجهی دانشوران و فقدان ارزیابی انتقادی نظرات مدعیان، این ابداعات راه خود را به متون جدی هم باز کنند. دست‌کم دو مدخل *دانشنامهٔ ایرانیکا* به «تقویم گالشی» (Gāleši calendar) اشاره می‌کنند (Bromberger, 2012, Bazin and Bromberger, 2011) و مقاله‌ای در *دانشنامه جهان اسلام* تقویم فرس قدیم رایج در مازندران را «گاه‌شماری باستانی طبری» معرفی می‌کند و به پیروی از تقویم هومند و رسم نوپدید برخی اهالی مازندران، تیرماه‌سیزده (۱۳ تیرماه قدیم) را برابر با ۱۳ آبان‌ماه تقویم جدید ایران قرار می‌دهد (موسی‌پور، ۱۳۸۳: ۷۸۸-۷۸۹). مقاله‌ای در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* نیز این خطا را تکرار می‌کند (اخوان اقدم، ۱۳۹۸). تحولات اخیر نشان می‌دهد چگونه بدایع پدید آمده در بستر گفتمان هویتی، به دور از ارزیابی‌های انتقادی، به سهولت در میان اجتماع محلی اشاعه می‌یابند و متون جدی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

### نتیجه

از اواخر دههٔ چهل تا اوایل دههٔ شصت شمسی شماری از گیلانیان چپ‌گرا مدعی یک تقویم تاریخی مستقل مختص به گیلان شدند که نوروز آن همواره ثابت در میانه‌های تابستان بود و برای تثبیت آن در میانهٔ تابستان کبیسهٔ چهارساله داشت. آن تقویم ادعایی را تقویم دیلمی نامیدند. در دههٔ هفتاد نصرالله هومند مدعی شد که از روزگاران گذشته تا به امروز در میان مردمان نواحی جنوب دریای مازندران دو تقویم گیلانی باستان و مازندرانی باستان رایج بوده است. او برای این دو تقویم ادعایی، مبادی باستانی محاسبه کرد. نسخه ادعایی او از حدود نیمهٔ دههٔ هفتاد به نسخهٔ معمول این

۲۳. برومبِرژه تیرماه‌سیزده به اصطلاح تقویم گالشی را برابر با ۲۷ آبان‌ماه تقویم جدید ایران قرار داده است. او مرجع خود را ذکر نکرده، اما تاریخ ادعایی وی بر ابداع هومند متکی است که روز نخست سال به اصطلاح تقویم گیلکی را برابر با ۱۷ مردادماه تقویم جدید ایران قرار می‌دهد، و بنابراین، تیرماه‌سیزده (اجرای مراسم در غروب روز دوازدهم تیرماه) با ۲۷ آبان‌ماه تقویم جدید ایران برابر می‌شود. مرجع بازن و برومبِرژه کتاب *گاه‌شماری گیلانی* (پورهادی، ۱۳۸۸) است که ادعاهای هومند در باب تقویم را تکرار می‌کند و مطلب جدیدی ندارد. برجیان به‌رغم توصیف درست تقویم قدیم رایج در کجور (مازندران)، آن را «تقویم طبری یا دیلمی» می‌نامد و به نقل از جهانگیری (۱۳۶۷: ۱۹۶) نوروزماه بیست‌وشش را به نادرستی در اوائل سپتامبر قرار می‌دهد (Borjjan, 2013: 239-240; idem, 2016). توصیف جهانگیری از تقویم رایج در کجور، به جای مشاهدهٔ مردم‌نگارانه، بر ادعای نادرست عمادی مبتنی است که شروع سال تقویم قدیم را ثابت و برابر با ۱۵ مردادماه تقویم جدید ایران می‌پنداشت. به علاوه برجیان نوروزماه بیست‌وشش را که در شب پیش از بیست‌وششم آخرین ماه تقویم فرس قدیم برگزار می‌شد به اشتباه در بیست و ششم ماه نخست قرار داده است. نوروزماه بیست‌وشش در سال‌های ۱۷۸۴-۱۸۱۵ در هفتهٔ اول سپتامبر بود. جیمز موریه در ۳۱ اوت سال ۱۸۱۵ شاهد برگزاری آن در دماوند و روستاهای مجاور بود. (Morier, 1818: 357). نوروزماه بیست‌وشش در سال‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۵ با اول سپتامبر برابر بود و مراسم آن در شامگاه روز قبلش در ۲۵ نوروزماه (۳۱ اوت) برگزار می‌شد.

تقویم‌های نوظهور تبدیل شد. طرفدارانش با نشر تقویم‌های دیواری و اجرای مراسم سال نو به نام‌های نوروز بل (گیلان) و فردینه‌ماشو (مازندران) در تاریخ‌های ثابت (به ترتیب در تاریخ ۱۷ و ۲ مردادماه تقویم جدید ایران) کوشیدند آنها را در میان مردم محلی رایج کنند. این تقویم‌های مجعول در دهه اخیر راه خود را به متون جدی‌تر باز کرده‌اند و به مدد وسایل ارتباط جمعی همچون اینترنت و خبرگزاری‌ها در بیرون از این نواحی توجه محدودی را به خود جلب کرده‌اند. ظهور این تقویم‌ها نشان می‌دهد که فقدان ارزیابی‌های انتقادی تا چه حد در نشر و گسترش اختراعات فرهنگی، به‌خصوص آنجا که پای هویت‌های جمعی در میان است، مؤثر است.

جدول ۱. برابری نوروز و دیگر مناسبت‌های تقویم فرس قدیم نواحی جنوب دریای مازندران در تقویم جدید ایران از سال ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴<sup>۲۴</sup>

سال‌ها	نوروز	تیرماه‌سبزه	پنجه	نوروزماه بیست‌وشش
۱۳۰۴	۱۹ مرداد	۲۹ آبان	۱۸-۲۲ فروردین	۱۴ مرداد
۱۳۰۵-۱۳۰۹	۱۸ مرداد	۲۸ آبان	۱۷-۲۱ فروردین	۱۳ مرداد
۱۳۱۰-۱۳۱۳	۱۷ مرداد	۲۷ آبان	۱۶-۲۰ فروردین	۱۲ مرداد
۱۳۱۴-۱۳۱۷	۱۶ مرداد	۲۶ آبان	۱۵-۱۹ فروردین	۱۱ مرداد
۱۳۱۸-۱۳۲۱	۱۵ مرداد	۲۵ آبان	۱۴-۱۸ فروردین	۱۰ مرداد
۱۳۲۲-۱۳۲۵	۱۴ مرداد	۲۴ آبان	۱۳-۱۷ فروردین	۹ مرداد
۱۳۲۶-۱۳۲۹	۱۳ مرداد	۲۳ آبان	۱۲-۱۶ فروردین	۸ مرداد
۱۳۳۰-۱۳۳۳	۱۲ مرداد	۲۲ آبان	۱۱-۱۵ فروردین	۷ مرداد
۱۳۳۴-۱۳۳۷	۱۱ مرداد	۲۱ آبان	۱۰-۱۴ فروردین	۶ مرداد
۱۳۳۸-۱۳۴۲	۱۰ مرداد	۲۰ آبان	۹-۱۳ فروردین	۵ مرداد
۱۳۴۳-۱۳۴۶	۹ مرداد	۱۹ آبان	۸-۱۲ فروردین	۴ مرداد
۱۳۴۷-۱۳۵۰	۸ مرداد	۱۸ آبان	۷-۱۱ فروردین	۳ مرداد
۱۳۵۱-۱۳۵۴	۷ مرداد	۱۷ آبان	۶-۱۰ فروردین	۲ مرداد
۱۳۵۵-۱۳۵۸	۶ مرداد	۱۶ آبان	۵-۹ فروردین	۱ مرداد
۱۳۵۹-۱۳۶۲	۵ مرداد	۱۵ آبان	۴-۸ فروردین	۳۱ تیر
۱۳۶۳-۱۳۶۶	۴ مرداد	۱۴ آبان	۳-۷ فروردین	۳۰ تیر
۱۳۶۷-۱۳۷۰	۳ مرداد	۱۳ آبان	۲-۶ فروردین	۲۹ تیر
۱۳۷۱-۱۳۷۴	۲ مرداد	۱۲ آبان	۱-۵ فروردین	۲۸ تیر
۱۳۷۵	۲ مرداد	۱۲ آبان	۱-۵ فروردین / ۳۰ اسفند	۲۸ تیر

۲۴. بعضی از رسوم قدیمی در شب قبل از روز مورد نظر برگزار می‌شد؛ مثلاً مراسم تیرماه‌سبزه در غروب روز دوازدهم تیرماه قدیم اجرا می‌شد.



۱۳۷۶-۱۳۷۹	۱ مرداد	۱۱ آبان	۴-۱ فروردین / ۲۹ اسفند	۲۷ تیر
۱۳۸۰-۱۳۸۳	۳۱ تیر	۱۰ آبان	۳-۱ فروردین / ۲۸-۲۹ اسفند	۲۶ تیر
۱۳۸۴-۱۳۸۷	۳۰ تیر	۹ آبان	۲-۱ فروردین / ۲۷-۲۹ اسفند	۲۵ تیر
۱۳۸۸-۱۳۹۰	۲۹ تیر	۸ آبان	۱ فروردین / ۲۶-۲۹ اسفند	۲۴ تیر
۱۳۹۱	۲۹ تیر	۸ آبان	۱ فروردین / ۲۶-۳۰ اسفند	۲۴ تیر
۱۳۹۲-۱۳۹۵	۲۸ تیر	۷ آبان	۲۵-۲۹ اسفند	۲۳ تیر
۱۳۹۶-۱۳۹۹	۲۷ تیر	۶ آبان	۲۴-۲۸ اسفند	۲۲ تیر
۱۴۰۰-۱۴۰۴	۲۶ تیر	۵ آبان	۲۳-۲۷ اسفند	۲۱ تیر

## منابع

- آملی، اولیاءالله (۱۳۴۸). *تاریخ رویان*. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن (۱۳۲۰). *تاریخ طبرستان*. به تصحیح عباس اقبال. تهران: کلاله خاور.
- اخوان اقدم، ندا (۱۳۹۸). *تیرگان. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد ۱۶. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- بالائی لنگرودی، علی (۱۳۸۹). تأملی بر «نوروزیل» و تقویم مرتبط با آن. *گیله‌وا*، شماره ۱۱۰، ۲۲-۲۴.
- برجیان، حبیب (۱۳۸۴). جشن‌های طبری در اسیورد - شوراب. *نامه پارسی*، ۱۰ (۳)، ۷۳-۷۸.
- بشرا، محمد و طاهر طاهری (۱۳۸۵-۱۳۸۷). *جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان*. ۲ جلد. رشت: فرهنگ ایلیا.
- بهروز، ذبیح (۱۳۳۱). *تقویم و تاریخ در ایران*. ایران کوده ۱۵.
- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۷). *آئین‌ها و باورداشت‌های گیل و دیلم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۷). *مراسم عید نوروز و جشنهای باستانی در یکی از دهکده‌های مازندران*. هنر و مردم، ۶۶، ۱۹-۲۷.
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۸). *الاتست، زادگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- پورهادی، مسعود (۱۳۸۸). *گاه‌شماری گیلانی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۱۶). *گاه‌شماری در ایران قدیم*. چاپ اول. تهران: کتابخانه طهران.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۵۷). *گاه‌شماری در ایران قدیم*. چاپ دوم. زیر نظر ایرج افشار. تهران: شکوفان.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۸۱). *بیست مقاله تقی‌زاده*. ترجمه احمد آرام و کیکاوس جهاننداری. تهران: علمی و فرهنگی.
- جکتاجی، م. پ. (۱۳۵۹). *دستور املای گیلکی*. دامون، ۲ (۵)، اول خردادماه، ۲، ۸.

- جم، پدram (۱۳۹۵ الف). آبریزگان و آذرچشن؛ انقلابین و تقویم دوره ساسانی. پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۶ (۱)، ۵۳-۳۵.
- جم، پدram (۱۳۹۵ ب). نوروز طبری و تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۸ (۲)، ۴۳-۶۰.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۲). تاریخ روابط روس و ایران. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی. (در اصل منتشر شده در ضمیمه‌های مجله کاوه چاپ برلین).
- جهانگیری، علی اصغر (۱۳۶۷). کندلوس. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- دامون (۱۳۶۰). شماره مسلسل ۳۰. رشت.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلیم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۶). یادداشت‌هایی درباره گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران. در نقد و تحقیق (تاریخ و فرهنگ ایران). دفتر سوم. تهران: سحر، ۵۷-۹۱.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۶۰). تقویم مازندرانی (نقدی بر نوشته‌ای از عبدالرحمن عمادی). آئینده، ۷ (۶)، ۴۴۰-۴۲۹.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۸۴). پژوهش تقویم‌های ایرانی. تهران: گلاب.
- رضائی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۹۳). سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان. تهران: سمت.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. تهران: آگه.
- ستوده، منوچهر (۱۳۳۲). فرهنگ گیلکی. تهران: انجمن ایران‌شناسی.
- ستوده، منوچهر (۱۳۴۱). لهجه علی‌آباد فریم. فرهنگ ایران‌زمین، جلد ۱۰، ۴۳۷-۴۷۰.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۸). [نامه خطاب به م. پ. جکتاجی]. گیله‌وا، شماره ۱۰۵، ۲۹.
- عباسی، هوشنگ (۱۳۷۷-۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر فرهنگ بومی - هویت گیلانی. گیله‌وا، شماره ۵۲، ۲۴-۲۵.
- علامه، صمصام‌الدین (۱۳۳۸). یادگار فرهنگ آمل. تهران: تابان.
- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۵۱). واژه‌هایی از گاهشماری کهن دیلمی. در سومین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد اول، سی و چهارم خطاب به. به کوشش محمد روشن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۵۸۹-۶۳۰.
- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۵۳). جشن آفریجگان اصفهان. یغما، شماره ۳۱۶، ۵۸۳-۵۹۰، شماره ۳۱۷، ۶۵۷-۶۶۱، شماره ۳۱۸، ۷۲۰-۷۲۳.
- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۵۴). گاهشماری کهن دیلمی یا تقویم پیش از زردشتی. در خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی. جلد ۳. به کوشش غلامرضا ستوده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۳۳۳-۳۲۵.
- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۵۹). گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان دریای مازندران. آئینده، ۶ (۹-۱۲)، ۷۸۲-۷۷۵.
- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۷۳). گالش‌شمار (تقویم گالشی). گیله‌وا، شماره ۲۲-۲۳، ۲۷-۲۹.
- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۸۱). نوروز بل دیلمی. فرهنگ مردم، شماره ۳-۴، ۴۷-۵۵.

- عمادی، عبدالرحمان (۱۳۸۸) این تقویم شیر و خورشید یا آفتاب‌شمار است. *گیله‌وا*، شماره ۱۰۵، ۱۸-۲۳.
- فلاح، نادعلی (۱۳۹۰). آیین پتک (پنجه اندرگاه)، کرچه ما و شیشک در مازندران. در *گیلان‌نامه: مجموعه مقالات گیلان‌شناسی*. جلد ۷. به کوشش م. پ. جکتاجی. رشت: گیلکان، ۱۶۳-۱۷۲.
- قاسمی دارستانی، فریدون (۱۳۸۴-۱۳۸۵). آتش ولی. *گیله‌وا*، شماره ۸۷، ۳۸.
- کسروی، احمد (۱۳۰۱). تواریخ طبرستان و یادداشتهای ما. *نوبهار هفتگی*، قوس. بازچاپ در *کاروند کسروی* (۱۳۵۲). تهران: کتابهای جیبی، فرانکلین، ۵-۴۱.
- کیا، صادق (۱۳۲۷). *واژه‌نامه طبری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گیله‌وا* (۱۳۷۱، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸). شماره‌های ۲، ۸۵، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۶. رشت.
- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین (۱۳۵۲). *تاریخ خانی: شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ قمری*. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مظفری، محمدولی (۱۳۵۸). *دیه‌ما. دامون*، ۱ (۴)، ۲۸ خردادماه، ۲.
- مظفری، محمدولی (۱۳۶۰ الف) ورف‌نما. *دامون*، ۲ (۲)، پانزدهم خردادماه، ۲.
- مظفری، محمدولی (۱۳۶۰ ب) تقویم گیلانی، یک زیاد یا کیسه. *دامون*، ۲ (۳)، پانزدهم تیرماه، ۲.
- مظفری، محمدولی (۱۳۶۹). *گاشماری گیلان*. در *گیلان‌نامه: مجموعه مقالات گیلان‌شناسی*. جلد ۲، به کوشش م. پ. جکتاجی. رشت: طاعتی.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۳). *تیرگان. دانشنامه جهان اسلام*. جلد ۸، ۷۸۶-۷۹۱.
- هومند، نصرالله (۱۳۷۵). *گاشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و پژوهشی در بنیان گاشماری‌های ایرانی همراه با تقویم باستانی تبری - دیلمی*. آمل.
- هومند، نصرالله (۱۳۷۶). یادداشتی کوتاه درباره آغاز نوروز دیلمی و جشن تیرگان «تیرماه سبزه». *گیله‌وا*، شماره ۴۰-۴۱، ۱۰-۱۲.
- هومند، نصرالله (۱۳۸۲). *گاشماریهای ایرانی، در پاسخ به فرانسوا دوبلوا*. آمل: طالب آملی.
- هومند، نصرالله (۱۳۸۹). نکاتی درباره گاشماری باستانی (خراجی) دیلمی (گیلانی). *گیله‌وا*، شماره ۱۱۲، ۳۴-۳۶.
- هومند، نصرالله (۱۳۹۳). جایگاه زمانی دو جشن باستانی نوروزیل و بیست و شش نوروزماه. *گیله‌وا*، شماره ۲۱-۲۳.

Bazin, M. & Bromberger, Ch. (2012). Siāhkal. *Encyclopaedia Iranica*. online edition. available at <http://www.iranicaonline.org/articles/siahkal>.

Borjjan, H. (2013). The Caspian Dialect of Kujūr in the Central Alborz. *Iran*. 51, 235-246.

Borjjan, H. (2016). Kojur III. Calendar. *Encyclopaedia Iranica*. online edition. available at <http://www.iranicaonline.org/articles/kojur-03-calendar>.

- Bromberger, Ch. (2011). Gilān xvi. Folklore. *Encyclopaedia Iranica*. online edition. available at <http://www.iranicaonline.org/articles/gilan-folklore>.
- Cristoforetti, S. (2016). Nowruz iii. In the Iranian Calendar. *Encyclopaedia Iranica*. online edition. available at <http://www.iranicaonline.org/articles/nowruz-iii>.
- Justi, F. (1896–1904). Geschichte Irans von den ältesten Zeiten bis zum Ausgang der Sāsāniden. in *Grundriss der Iranischen Philologie II*. Strassbourg: Karl J. Trübner, 395–550.
- Krafft, A. (1844). Ueber Herrn Professors Dr. Justus Olshausen Entzifferung der Pehlewi-Legenden auf Münzen. *Jahrbücher der Literatur*, 106, 1–33.
- Marquart, J. (1901). *Ērānšahr nach der Geographie des Ps. Moses Xorenac'i*. Berlin: Weidmann.
- Mordtmann, A. D. (1854). Erklärung der Münzen mit Pehlvi-Legenden. *ZDMG*, 8 (1), 1–180.
- Mordtmann, A. D. (1871). Die Chronologie der Sassaniden, *Sitzungsberichte der Bayerischen Akademie der Wissenschaften, Philosophisch-Philologische und Historische Klasse I*, 3–40.
- Morier, J. (1818). *A Second Journey through Persia, Armenia and Asia Minor*. London: Longman.
- Olshausen, D. J. (1843). *Die Pehlewî-Legenden auf den Münzen der letzten Sāsāniden*. Leipzig: Wilhelm Engelmann.
- Paul, L. & Elbers, J. (2020). Caspian Calendar Names and their Etymologies. In *zaraθuštrōtāma: Zoroastrian and Iranian Studies in Honour of Philip G. Kreyenbroek*. ed. Shervin Farridnejad. Leiden: Brill.
- Taqizadeh, S. H. (1939). Various Eras and Calendars used in the Countries of Islam. *Bulletin of the School of Oriental Studies*. 9 (4), 903–922.